

نقد انتخاب «حیات طیبه» به عنوان نگرش محوری در سند تحول در آموزش و پرورش

حمیدرضا آیت اللهی^۱

چکیده:

بر پیشانی ابتدائی کتاب مبانی نظری در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، آیه ۹ از سوره نحل نقش بسته است که «هر کس، مرد یا زن، عمل صالح انجام دهد و مؤمن باشد قطعاً به "حیات طیبه" (زندگانی پاک و پسندیده) زنده اش می داریم...». سپس با الهام گرفتن از این آیه در جای جای سند تحول در نظام تعلیم و تربیت و مبانی نظری آن مبنای فکری این مبانی و سند را حیات طیبه دانسته است و در بندهای متعددی اشاره کرده است که دست یابی به مراتب حیات طیبه در همه ابعاد، نه تنها مقصود اعمال فردی و اجتماعی هر انسان دیندار است، بلکه... مورد درخواست هر شخص خردمند و دارای عقل سلیمی است. سپس در بیان وظیفه تعلیم و تربیت در نظام جمهوری اسلامی متذکر شده است که باید همه افراد جامعه را به سوی تحقق مراتب حیات طیبه در همه ابعاد فراخواند. در این مقاله در نظر است نشان داده شود که انتخاب حیات طیبه به عنوان محور اصلی نظام تربیتی در کشور ما، شش اشکال اساسی دارد. سپس پس از پیشنهاد جایگزین «عمل صالح و ایمان» که مفهوم اصلی آیه فوق است نشان داده می شود جهت گیری نظام تربیتی کشور بر اساس حیات طیبه با آموزه های مبنایی اسلامی دچار چالش می شود و مسیرهایی را نشان می دهد که قابل نقد هستند.

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
هر کس، مرد یا زن، عمل صالح انجام دهد و مؤمن باشد قطعاً به "حیات طیبه" (زندگانی پاک و پسندیده) زنده اش می داریم، و همانا آن ها را، در برابر بهترین اعمالی که انجام داده اند، پاداش خواهیم داد.
قرآن کریم: نحل / ۹

بر پیشانی ابتدائی کتاب مبانی نظری در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران آیه فوق نقش بسته است. این آیه الهام بخش تفکر بنیادین نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی گردیده است.

در صفحه ۹۷ این کتاب در بخش ۷-۴-۱ چنین آمده است: "حیات طیبه مفهومی ذو مراتب است که برخی از مراتب نخستین آن مطلوب بالفعل همه انسان هاست و لذا باید تلاش برای تحقق حیات طیبه، از این مراتب آغاز گردد."

"می توان دست یابی به مراتبی از آن را با عنایت به علاقه ذاتی همه انسان ها نسبت به تداوم و پیشرفت زندگی پاکیزه، گوارا و متوازن مطلوب فطری همه انسان ها دانست و همه افراد جامعه را به سوی تحقق مراتب حیات طیبه در همه ابعاد فراخواند."

"از این رو دست یابی به مراتب حیات طیبه در همه ابعاد، نه تنها مقصود اعمال فردی و اجتماعی هر انسان دیندار است، بلکه وصول به برخی مراتب مقدماتی و پیش نیاز حیات طیبه نظیر رفع متعادل نیازهای زیستی و طبیعی افراد

^۱ - استاد دانشگاه علامه طباطبائی و مدیرعامل موسسه میزان

جامعه یا رعایت بعضی ارزش های اخلاقی مقبول همگان (نظیر انصاف، آزادگی، عدالت ورزی، صداقت، وفای به عهد و امانت داری) مورد درخواست هر شخص خردمند و دارای عقل سلیمی است."

"فردی که حیات طیبه دارد، انسان معتدلی است که علاوه بر شکوفایی فطرت الهی، به رشد همه جانبه همه استعدادهای طبیعی و تنظیم متعادل تمایلات و عواطف خود (به دور از هرگونه افراط و تفریط) دست یافته است."

"از سوی دیگر برای تحقق حیات طیبه، باید دشمنان خدا (طاغوت) و موانع راه خدا (الذین یصدون عن سبیل الله) را شناخت، با آن ها دشمنی ورزید (تبراً) و با مبارزه خالصانه با همه دشمنان راه خدا (جهاد فی سبیل الله) سعی نمود حتی الامکان موانعی را برطرف کرد."

مطالب فوق بخشی از عباراتی است که مبانی تفکر نظریه پردازان بنیادهای نظام تعلیم و تربیت رسمی را نشان می دهد.

علی رغم اینکه در صفحه ۹۰ غایت نهایی انسان را قرب الی الله دانسته است اما از آن پس نظام فکری اسلامی را در تعلیم و تربیت تحقق حیات طیبه دانسته است. بر همین منوال شروع به برشمردن ویژگی های حیات طیبه نموده است تا بر اساس آن همه انسانها را به سوی تحقق حیات طیبه در تمامی مراتب آن دعوت و راهنمایی نمود. و در نتیجه جهت اصلی نظام تعلیم و تربیت اسلامی را هدایت دانش آموزان برای وصول به حیات طیبه دانسته است.

اما اینگونه نتیجه گیری از آیه فوق که تنها در آن از حیات طیبه نام برده شده است مشکلات جدی دارد که موجب می شود جهت گیری نظام تعلیم و تربیت بر ساخته بر آن مبنا، با دیدگاههای دیگر برگرفته از بسیاری از آموزه های دیگر دینی، مخصوصاً با مفاد همان آیه، ناسازگار باشد.

این برداشت فلسفی، دینی و قرآنی که بر حیات طیبه بنا شده است مشکلاتی به شرح زیر دارد:

۱- انسان در این جهان با اعمالی که انجام می دهد تحقق وجودی خود را مرتب فرجه تر می کند و مجموعه اعمال اوست که هویت او را تشکیل می دهد. نظام تعلیم و تربیت برای آن است که این هویت انسانی به متعالی ترین وجهش توسط خود انسان و با اختیار خود بر ساخته شود. به همین جهت آیه مذکور بر انجام عمل صالح تاکید دارد که فعالیت های انسانی حول آن باید تحقق یابد. مفاد عمیق و نتیجه اصلی تعلیم و تربیت محقق ساختن اعمالی انسانی است که دربردارنده یک نظام معیار باشد. مفاد آیه فوق بر عمل تاکید دارد و از انسانها نه تنها فعالیت عملی بلکه صالح بودن آن را می خواهد. در ادامه نیز می گوید این فعالیت صالح باشد کفایت لازم را برای ارزشمند بودن ندارد بلکه وقتی ارزش اصلی خود را می یابد که بر اساس ایمان به خداوند و در نسبت با خداوند باشد.

۲- سپس آیه فوق می گوید اگر کسی این هویت خود را که انجام عمل صالح بر اساس ایمان است محقق سازد نتیجه آن حیات طیبه خواهد بود. حیات طیبه نتیجه عمل صالح همراه ایمان است و از آیه بر نمی آید که خداوند بشر را به محقق ساختن حیات طیبه امر کرده باشد یا هدایت نموده باشد. حیات طیبه ثمره طبیعی عمل صالح همراه ایمان است.

۳- نکته ظریف و مهم دیگری که در این آیه وجود دارد این است که فاعل انجام عمل صالح و ایمان خود انسان است (که در معرض تربیت است) و فاعل حیات طیبه خداوند است که با رحمت خاص خود پس از آنکه انسان عمل صالح انجام دهد از جانب خداوند به او افاضه می گردد. یعنی حیات طیبه داده شدنی است و نه بدست آوردنی. افاضه ربانی است و نه کسب بشری. در آیه مزبور به ما امر نشده است که حیات طیبه را بدست آوریم بلکه امر شده است که عمل صالح انجام دهیم تا خود را در معرض حیات طیبه که خداوند محقق می سازد قرار دهیم. جالب آن است که فلنحییته با دو تاکید «ل» و «نون تاکید ثقیله» به خداوند نسبت داده شده است و «فاء» اول آن ناظر به نتیجه عمل صالح است. پس بر اساس آیه مزبور بهتر است نتیجه بگیریم که نظام تعلیم و تربیت برای آن است که متریبان عمل صالح انجام دهند و اگر اینگونه کنند به حیات طیبه خواهند رسید نه این که برای رسیدن به حیات طیبه است. حیات طیبه حالتی از نشاط زندگی است و عمل صالح مبتنی بر ایمان، وظیفه ما در زندگی است.

۴- در نظام های سکولار نحوه مواجهه با عالم و انسان مواجهه ای مستقیم از جانب انسان است که معیار نهایی آن عقل خودبنیاد انسانی است که تصمیم می گیرد چه چیزی درست است و چه چیزی برای خودش و طبیعت و سایر موجودات خوب است. حتی دین از منظر انتظار بشر از دین تعریف می شود. اما در نظام دینی مواجهه انسان با طبیعت و عالم و سایر موجودات و من جمله خود او از طریق خداوند است. چرا که در منظر دینی انسان و سایر موجودات، چون هویت تعلق به خداوند دارند، لذا به هر کدام از آنها به عنوان وابسته هایی به خداوند نظر می شود و هرگونه حکم یا وظیفه ای که برای بشر در نظر گرفته می شود در پرتو این تعلق و وابستگی معنا پیدا می کند. یکی از مضامین لاله الا الله چنین توجهی است که بشر باید داشته باشد. در نظام تعلیم و تربیت سکولار «خوب زیستن» که بشر آن را خوب می داند هدف نهایی است. تمام هم و غم اینگونه نظامها ایجاد بهترین شرایط رفاهی اجتماعی عاطفی و حتی معنوی برای انسان است و این انسان به ما هو انسان مستقلا محور توجه آنهاست؛ درحالی که با آموزه پرتکرار قرب الهی، انسان از حیث تقربش به خداوند مورد توجه قرار می گیرد. هدف از خلقت انسان برکشیده شدن او با پرستش الهی است. مضامینی که در تبیین حیات طیبه در مبانی نظری سند تحول در نظام تعلیم و تربیت بکار گرفته است گویا همانند تفکر سکولار زندگی بهتر انسانی را البته از نوعی دیگر مورد توجه قرار داده است و این انسان است که وقتی خوب و راحت زندگی کرد هدف نظام تعلیم و تربیت محقق می شود. حال باید پرسید آیا نظام تعلیم و تربیت انسان را مورد توجه قرار داده است یا انسان از حیث وابستگی اش به خداوند که با پرستش خداوند باید به آن نگریست؟ مجموعه تبیین های مفصل حیات طیبه در کتاب به رنگ و بوی خوب زیستن انسانی در اندیشه سکولار نزدیک تر شده است!

۵- همانگونه که گفته شد حیات طیبه مفهومی نیست که در ادبیات دینی و قرآنی فراوان بکار برده شده باشد بلکه فقط در این یک آیه به آن اشاره شده است. معلوم نیست نویسندگان این کتاب این همه ویژگی برای

حیات طیبه را از کجا استخراج کرده اند. بدیهی است ادبیات این اصطلاح، فقط ادبیاتی قرآنی است و در سایر منابع معرفتی مثل روانشناسی، فلسفه از چنین ادبیاتی استفاده نشده است. پس اگر هم بخواهیم به سراغ ویژگی های آن برویم باید بازهم از ادبیات قرآنی مدد بجوییم درحالی که آموزه های قرآنی در این خصوص مطلبی را نگفته است که دقیقا ناظر به حیات طیبه باشد. درحالی که قرآن به کرات و به صورتهای گوناگون درباره ویژگی های عمل صالح و ایمان که باید مبنای تعلیم و تربیت باشد سخن گفته است و بصورتهای مختلف درباره ویژگی های آن می توان از قرآن مدد گرفت. بنظر می رسد نویسندگان این کتاب به نظام معیاری اسلامی از مجموعه آموزه های قرآنی و روایی و عقلی دست پیدا کرده اند و آن را به حیات طیبه نسبت داده اند درحالی که ملازمه ای بین این دو که یکی از یک آیه بدست آمده است و دیگری با نظریه پردازی از مجموعه آموزه های اسلامی فراهم شده است وجود ندارد. شاید به این صورت بوده باشد که توصیف معنایی حیات طیبه حالتی را اشاره می کند که مجموعه آن آموزه های نظام معیار نیز از لحاظ معنایی با آن مشابهت دارد؛ اما این مشابهت نمی تواند باعث شود که یکی را از دیگری استنتاج کنیم.

۶- آیه ای دیگر قضیه خلف آیه مذکور است که بسیار مناسب بود در این کتاب به اندازه حیات طیبه به نقیض آن یعنی «معیشه ضنک» نیز اشاره می شد. این آیه می گوید:

و من اعرض عن ذکری فان له معیشه ضنکا

هر که از یاد من روی بگرداند زندگی تنگ و سختی خواهد داشت

اگر این آیه را کنار آیه حیات طیبه بگذاریم دیده می شود محوریت حیات طیبه و معیشت ضنک توجه به معبود بودن خداوند و یا دوری از یاد اوست. یعنی نوع ارتباط انسان با خداوند برای حیات طیبه اهمیت دارد و نه صرف زندگی پاک انسان.

مجموعه مطالب فوق اشاره دارد که استفاده از حیات طیبه به عنوان محور اصلی نظام تعلیم و تربیت چندان موجه نیست. قرآن مشحون از ارزش مبنایی ایمان و عمل صالح است که بارها و بارها انسان را به آن فراخوانده است. لذا اگر بخواهیم هسته مرکزی برای مبنای تعلیم و تربیت با رویکرد اسلامی داشته باشیم باید بر «ایمان و عمل صالح» تمرکز کنیم و چندان وجهی برای استفاده از حیات طیبه نیست.

نتیجه:

علی رغم نقدهای جدی که در متن فوق درباره مبنا قرار دادن حیات طیبه برای سند تحول آموزش و پرورش شد، اما هنوز اقرار می کنم که سند مزبور حتی با همان مفهوم حیات طیبه ارزشهای والایی دارد و اجرایی کردن آن ثمرات بسیاری را برای نظام تعلیم و تربیت خواهد داشت. لذا این نقد به معنای زیر سوال بردن محورهای عمده و دستاوردهای جزئی تر آن سند منتشر شده نیست؛ بلکه نشان می دهد اگر بنا بر بازپیرایی سند باشد با در نظر گرفتن این تغییر مبنایی به سندی دقیقتر دست پیدا خواهیم کرد. در نظر داشتیم نشان دهم اگر بجای مبنای حیات طیبه بخواهیم با مبنای ایمان و عمل صالح بخشهایی از این سند تحول را بازنویسی کنیم به چه صورتی درمی آمد تا با تغییرات در اجزای سند، تاثیر عمیق در اثر این تغییر مبنا دیده شود. اما بنظر آمد شاید همین اقدام، تردیدهایی در اجرایی

کردن همین سند بوجود آورد درحالی که اکنون این تردیدها به صلاح نظام تعلیم و تربیت که به شدت تشنه تغییر و تحول است و برای آن له له می زند نیست.